



دوشنبه 21 تیر 30 رجب 12 ژوئیه

وفات محمد بن ادريس شافعي در سال 204 هجري قمری

وفات محمد بن ادريس شافعي در سال 204 هجري قمری
 محمد بن ادريس شافعي، پيشواي شافعي ها (يکي از چهار مذهب معروف اهل سنت) در سال 150 قمری، به هنگام وفات ابوحنيفه (پيشواي حنفيان) ديده به جهان گشود. وي، در حديث از مالك بن انس و ابن عيينه نقل روايت مي کرد و شاگردان زيادي پرورانيده. احمد بن حنبل (پيشواي حنبلين) که خود شخصيتي معروف و صاحب رأي در فقه بود، به هنگامي که شافعي را در بغداد ديدار کرد، احترام ويژه اي براي شافعي قائل شد و پياده در کنار مرکب شافعي راه مي رفت و عزتش را گرامي مي داشت. شافعي معتقد بود که اصل، در احکام دين، قرآن و سنت است و اگر اين دو، موجود نبود، بايد بر اساس آن ها قياس کرد. وي درباره سنت مي گفت: هنگامي که سلسله روايت يك سند به پيامبر(ص) برسد و اسنادش صحيح باشد، همان سنت است. هم چنين مي گفت: اجماع بيشتري از خبر و احداست و هر خبري که صحيحا وارد شده باشد، بايد به ظاهرش عمل کرد و خبري که منقطع باشد، قابل اعتنا نيست، مگر خبر منطعي که ابن مسيب نقل کرده باشد. شافعي در پنجاه سالگي در مصر وفات يافت و در همان جا مدفون شد. تاريخ وفاتش، آخرين روز ماه رجب، سال 204 قمری مي باشد. وي، با اين که در کلام و فقه، سني مذهب بود، در عين حال به اهل بيت پيامبر(ص) علاقه وافر داشت، و اين شعر منسوب به وي مي باشد:

يا اهل بيت رسول الله، حبکم فرض من الله في القرآن انزله
 کفاکم من عظيم القدر انکم من لا يصلي عليكم لا صلاه له

فاجعه خونين مسجد گوهر شاد در 1314 هجري شمسي

اسلام زدائي در کشورهاي اسلامي، بويژه در منطقه خاورميانه مهمترين استراتژي استعمار بود. اين استراتژي شيطاني با به قدرت رسيدن رضاخان به طور پيچيده و زمانبندي شده اي در ايران به مرحله اجرا درآمد. اما به سبب برخورد قاطع مردم به رهبري روحانيت از جمله موضع گيري تند و کفرستيزانه آيت الله بافقي، مدت 8 سال طرح حجاب زدائي از زنان مسلمان ايران به تعويق افتاد. در اين هشت سال از سال 1305 الي 1314 شمسي، روحانيت در معرض شديدترين حملات رواني و يورشهاي تبليغاتي قرار گرفت. طرح موزيانه استفاده از عمامه مستلزم داشتن تصديق دولتي است خود بخشي از اين حملات بود. نظام رضاخان بر اين باور بود که با جنگ عظيم رواني که بر پا کرده، روحانيت پويا و متعهد، به موضع ضعف کشانده شده و قادر به مقاومت در برابر طرحهاي سلطه طلبانه استعمار نخواهد بود، اين بود که همزمان با اجباري شدن کلاه بين المللي و شاپو براي مردان زمزمه هاي حجاب زدائي زنان بلند شد. نطقها جهت آماده سازي ذهنها و جشنها و ميتينگهاي سازمان يافته اي تشکيل شد تا زمينه پذيرش يکي از خطرناکترين و اسارت بارترين طرحهاي سلطه جويانه استعماري فراهم آيد. همزمان با اين دسيسه چيني استعمار و استبداد، روحانيت آگاه و بيدار به طور مخفي جلساتي را برگزار کردند. در يکي از جلسات پيشنهاده شد که آيت الله حاج آقا حسين قمي به تهران برود و به طور مستقيم با رضاشاه مذاکره کند. حاج آقا حسين قمي با اين پيشنهاده موافقت نمود و قبل از رفتن به روحانيون مشهد گفت من مي روم با شاه صحبت کنم شايد او را از تصميمش منصرف کنم، شما نيز بايد مردم را آگاه و هوشيار نماييد تا درک کنند چه توطئه عظيمي در کار است. حاج آقا حسين قمي پس از رسيدن به تهران به باغ سراج الملك شهر ري برده شد و ممنوع الملاقات گرديد. از سوي ديگر مسجد گوهرشاد که چند روزي بود محل اجتماع و سخنراني عليه لباس بيگانه و اسلام زدائي شده بود، با بازداشت آيت الله قمي حال و هواي ديگري يافت، اجتماعات وسيعتر و اعتراضات گسترده تر و سخنرانان کلامشان آتشين تر و شعار مردم تندتر گرديد. همزمان با اين وقايع از مذكر به شهرباني مشهد دستور داده شد که واعظ معروف را سريع دستگير کنند در اجراي اين دستور شيخ غلامرضا طبسي، شيخ شمس نيشابوري، دو تن از واعظ خراسان دستگير شدند اما گردهمايي مردم براي شنيدن سخنان روحانيت در مسجد گوهرشاد ادامه يافت. قرار بر اين شد که علما و مجتهدين مشهد طي يک تلگراف رضاخان را از اقدامات ضد ديني منصرف سازند، همچنين علما به منبر رفته و مردم را از عمق فاجعه اي که در حال شکل گيري است آگاه سازند. صبح روز جمعه 10 ربيع الثاني 1345 ه. ق برابر با 20 تير 1314 شمسي قزاقان مستقر در مشهد براي متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند. قزاقان رضاخان بي محابا به روي مردم آتش گشودند و حدود يکصد نفر را کشته و يا زخمي کردند اما مردم متفرق نشده و مقاومت کردند.

پس از اين هجوم مردم با داس - بيل و چوب... به طرف مسجد سرازير شدند، مسجد گوهرشاد لبريز از جمعيت گرديد و روحانيون نيز به سخنراني پرداختند.

روز شنبه 11 ربيع الثاني 1354 ه. ق برابر با 21 تيرماه 1314 مسجد پر از جمعيت بود. شعارهاي ضد سلطنت و ضد حجاب زدائي داده مي شد. مسجد يکپارچه سرود مقاومت سر داده بود.

سرانجام رضاخان دستور داد مسجديان را تارو مار و همه را دستگير و مجازات نمايند.

سران قشون، سران شهرباني و آگاهي، نيروهاي خويش را هماهنگ کردند و قرار گذاشتند پس از نيمه شب تهاجم خود را آغاز کنند. قزاقان قبلاً در نقاط حساس و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند و مسلسلهاي سنگين را بر بامهاي مشرف به حيات مسجد جاي دادند.

توبهاي سنگيني در خيابان تهران روبروي مسجد گوهرشاد استقرار يافت پاسي از نيمه هاي شب 21 تير ماه گذشته بود که صداي غرش مسلسلها در شهر پيچيد و قشون شرق به فرماندهي سرلشکر ايرج مطبوعي براي به خاک و خون کشيدن مردم به حرکت درآمد. عده اي از مأموران مخفي رژيم قبلاً وارد مسجد شده که از داخل وارد عمل شوند و راه براي ورود نيروهاي حکومت به داخل مسجد هموار سازند.

در سپيده دم قزاقان با کشتن بيش از دوهزار تن و اسير کردن هزار و پانصد نفر توانستند مقاومت مسجد را درهم بشکنند و دل استعمارگران بين المللي را شاد و مسرور سازند.

کاميونهاي بسياري اجساد مبارزين را جابجا کردند. به گفته شاهدان عيني، مأموران دولتي، شهدا را همراه زخميها در خندقهايي که در محله خشمالها و باغ خوني مشهد پيش بيني شده بود دفن کردند.

از صبح روز يکشنبه 22 تير 1314 بازداشت روحانيون آغاز شد و روحانيوني که در نهضت خونين گوهرشاد شرکت داشتند يا بازداشت شدند و يا اگر توانستند مخفي شدند تا در موقعيت مناسب ايران را به سوي نجف ترک کنند.